شرق
www.sharghdaily.com | aparat:tasvirshargh | Telegram:SharghDaily | youtube:sharghdaily | twitter:sharghdaily1 | instagram:sharghdaily1

شیرازه

شکسپیر به روایت ایگلتون

شرق: تری ایگلتون، نظریه‌پرداز و منتقد برجسته بریتانیایی، در یکی از آثارش به پژوهش در آثار شکسپیر پرداخته و مطالعه او یکی از ارزنده‌ترین آثاری است که به تحلیل شخصیت‌های نمایشی شکسپیر مربوط است. «شکسپیر و جامعه» عنوان این کتاب ایگلتون است که با ترجمه رضا سرور در نشر بیدگل منتشر شده است.

«شکسپیر و جامعه» از نخستین و کلاسان برجسته‌ترین پژوهش‌هایی است که هکام تحلیل شخصیت‌های آثار شکسپیر رابطه متقابل میان زندگی خودانگیخته فردی و زندگی اجتماعی آنان را به شکلی جامع بررسی می‌کند. ایگلتون در فصول هشت‌گانه این کتاب نشان می‌دهد که در نمایش‌نامه‌های معمایی، تاریخی و تراژدی‌های شکسپیر تنشی دائمی میان نفس اصیل شخصی و نفس مسئولیت‌پذیر اجتماعی شخصیت‌ها وجود دارد و شکسپیر تنها در کمدی‌های متاخرش موفق به برقراری توازنی دقیق میان این دو بخش از وجود شخصیت‌های آثارش شده و غافت با دیدآوردن تفاهم میان این قطبی‌های توامان آدمی توانسته است جشم‌اندازی زیبا به جامعهٔ یسامیانش خویش بگشاید.

ایگلتون در «شکسپیر و جامعه» بحث خود را در بستر فرهنگ غرب مطرح می‌کند و در فصل پایانی کتابش نشان می‌دهد که چگونه در قرن نوزدهم تعامل میان فرد و جامعه یک از موضوعات اصلی تفکر غربی بوده است. ایگلتون در این کتاب با مطالعه روی برخی از نمایش‌نامه‌های معمایی، تراژدی‌ها و کمدی‌ها تلاش کرده تا درون‌مایه‌های مشخص را در آثار شکسپیر پی بگیرد و به این مباحثی برای نگریستن به آثار شکسپیر شیوه‌ای کلی را فراهم کند. ایگلتون در آغاز این شرح خود را به گونه‌ای از نمایش‌نامه‌ها محدود کرده که به نظرش با ایده‌های مورد جست‌وجویش ارتباط ویژه‌ای دارند. فصل پایانی کتاب دربردارنده شرح مفصل ایگلتون از تلاش بی‌وقفه متفکران و فعالان اجتماعی قرن نوزدهم برای صورت‌بندی تعامل میان زندگی خودانگیخته فردی و زندگی اجتماعی است. از فحوای این گزارش پُردامنه می‌شود دریافت که چگونه امروز می‌توان در لوای تجربیات معاصر و به باری مبراث فکری این متفکران - از مثیو آرنولد، کارلایل و بنتام تا جان استوارت میل، کروپوتکین و ادوارد کارپنتر - درونمایه‌های اجتماعی شکسپیری را این‌بار با اصطلاح‌های جدید و ادراکی نوین، ارزیابی کرد.

پیش از انتشار کتاب «شکسپیر و جامعه»، سرور آثار دیگری درباره شکسپیر در نشر بیدگل منتشر کرده بود که یکی از آنها کتاب «شکسپیر: گفت‌وگوهایی با بن کات» است. آن‌طورکه سرور در پیشگفتارش توضیح داده، چهار گفت‌وگوی این کتاب از «غرش متون» برگرفته شده‌اند که جارلز ماروویتز آنها را پس از تجدیدنظر کات، در کنار سایر مقالات و سخنرانی‌های خود آورده است. مترجم همچنین توضیح داده که آنچه این گفت‌وگوها را مهم و متمایز می‌کند، مواجهه بن کات با کارگردان و نقاد بریده‌وار از برجسته‌ای همچون ماروویتز است که با دیدگاه انتقادی و سازش‌ناپذیر خود، به نکات زیادی که کات در آثارش درباره شکسپیر نوشته بود، وضوح بیشتری می‌بخشد: «ماروویتز، برخلاف منش خاضعانه مرسوم میان مصاحبه‌گران، از چالش با شکسپیرشناسی برجسته‌ای چون کات پروایی ندارد و هرجا که لازم بداند با استناد به وقایع یا جریانات خیلی جزو رابعت تعدیل برخی نظریات کات یا دست‌کم روشن‌شدن وجوه دیگر موضوعات مورد بحث می‌شود. در مقابل، بن کات نیز از کلیشه مصاحبه‌شونده نامتعطفی که انبانی از حرف‌های از پیش آماده دارد به دور است. با چنین ویژگی‌های دوجانبه‌ای، دانش نظری کسرده کات مکمل دیدگاه اجرایی ماروویتز می‌شود و دیالکتیکی خلاق به وجود می‌آید. دیالکتیکی که منش جدلی‌اش تا بدان‌جا پیش می‌رود که برای گفت‌وگوی اول، عنوان فرعی کتابش‌گرفتن با کات در نظر گرفته می‌شود». در گفت‌وگوی نخست کتاب، ارجعه درباره این موضوع صحبت شده که چرا کراری از شکسپیر به‌طور پویا به دوره معاصر مربوط است و درباره دلایل این ارتباط هم بحث شده است. یکی از پرسش‌های قابل توجه ماروویتز در این گفت‌وگو این است که آیا ممکن است آثار شکسپیر به حدی تفسیر مجدد شوند تا سرانجام به حد اشباع برسند و سپس دوباره به‌گونه‌ای سنتی از آنها بازگردیم؟ بن کات در پاسخ به این پرسش بحثی درباره سنت شکسپیری و کسستی که در این سنت به وجود آمده و همه می‌کند و می‌کند و دوره‌ای که ما با تئاتری جهانی روبه‌رو هستیم. تصور چیزی به نام رویکرد سنتی غیرممکن است. در این گفت‌وگو درباره موضوعات متاخر اجرایی شکسپیر همچون اجرای مجدد آثار کلاسیک و در نظر گرفتن مسائل تاریخی و معاصربودن صحبت شده است. به طوری که ارجاع به آثار شکسپیر در میان گفت‌وگوها می‌گوید تنها قوات میان شکسپیر و تراژدی‌نویسان یونان باستان در این است که شکسپیر به نحوی بسه روزگار ما نزدیک‌تر است. او می‌گوید که ما تاثیر از چالش با شکسپیر هستیم. حتی اگر عمدا با خود دلمان نمی‌خواهد این تنگیم. تفسیر حتی بدون تغییر کلمه‌ای در متن، بایسد مبادی جدیدی بدهد. او به یکی از نظرات قلیل‌اش اشاره می‌کند که نوشته بود «رویاهای بانکرهیل» نیز آخرین کتاب این چهارگانه است که در آن بخش دیگری از زندگی آرتورو باندینی روایت شده است. در همه رمان پیشین نیز مراحل قبلی زندگی او روایت شده بود. در میان چهارم آرتورو باندینی مسیری طولانی را پشت سر گذشته و با طی‌کردن مراحل مختلفی در زندگی‌اش به سرزمین رؤیاهایش لس‌آنجلس رسیده است. او در صافرخانه‌ای در بانکرهیل لس‌آنجلس اتاقی گرفته و دنبال کار می‌گردد و کاری هم پیدا می‌کند که ربطی به کتاب و نویسندگی دارد. متنها روح آرتورو اراو و قرار ندارد؛ شهرت می‌خواهد و دیده‌شدن و پذیرفته‌شدن. او فقط یک رؤیا دارد و آن اینکه نویسنده شود. حالا در این رمان ما با آرتورو، نویسنده روبه‌رو می‌شویم و با روابط عاشقانه و کاری او.

فائه در رمان «رک و ریشه» نیز به سراغ مضامین و دغدغه‌های رفته که در دیگر آثارش هم به آنها توجه کرده است. خانواده، واژهای مذهبی، نویسندگی و خشونت ازجمله محورهای نیز موضوعات و مسائلی هستند که در «رک و ریشه» مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این رمان فائه به درون دغدغه‌های داستان رفته و احساسات آنها را به شکلی درخورتوجه به تصویر کشیده است. در ماجرای رمان «رک و ریشه»، عضو ناسازگار خانواده به یکی از فرزندان، بلکه پدر خانواده است. پدری که رفتاری خلاف عرف دارد. بدخلق است و همه از دستش به تنگ آمده‌اند و فکر می‌کنند او مایه بدنامی خانواده است. داستان از سوی یکی از پسران خانواده روایت می‌شود و ماجرا از لحظه‌ای آغاز می‌شود که پدر و مادر خانواده در حال نوشیدن شراب‌اند و دعوا هم به خیانت شوهر مربوط است. حالا پدر و مادر می‌خواهند از هم جدا شوند و این مسئله جدیدی است که خانواده را درگیر کرده است و اعضای آن را روبه‌روی هم قرار داده است.

شکسپیر و جامعه
تری ایگلتون
ترجمه رضا سرور
نشر بیدگل

سرشار زندگی
جان فانته
ترجمه محمدرضا شکاری
نشر افق

ذات ناب زندگی

شرق: جان فانته، نویسنده معاصر آمریکایی، در ایران چهره شناخته‌شده‌ای به شمار می‌رود و تاکنون تعدادی از رمان‌های او به فارسی ترجمه شده است. «سرشار زندگی» عنوان یکی از رمان‌های فائته است که با ترجمه محمدرضا شکاری در نشر افق منتشر شده است. این کتاب اولین‌بار در سال ۱۹۵۲ منتشر شد و ویژگی‌های جهان داستانی فائته به‌خوبی در این رمان دیده می‌شود.

«سرشار زندگی» روایتی است با طنزی ظریف که به کنکاش در چالش‌های پیش‌بینی‌ناپذیر زندگی و پیچیدگی‌های روابط و مناسبات انسانی می‌پردازد و همچنین در روابط خانوادگی کاوش می‌کند. در فضایی که در دهه ۱۹۵۰ میلادی در آمریکا جریان دارد. «سرشار زندگی» به طور هوشمندانه‌ای نشان می‌دهد که چگونه زندگی یک فرد می‌تواند تحت تأثیر نیروی دینامیک‌های خانوادگی، بحران‌های سلامت و سنگینی مسئولیت‌ها قرار گیرد. در این رمان شخصیت اصلی یعنی جوی بیست‌وسه ساله در تلاقی میان مواجهه با ذات ناب زندگی است. جوی می‌خواهد نویسنده شود. دارد پدر می‌شود و واقعیت‌هایی یکی پس از دیگری به صورتش کوبیده می‌شوند. جو می‌خواهد با رشد و بلوغ شخصی خودش روبه‌رو شود، درحالی‌که با توفان‌های احساسی پیرامون خانواده‌اش دست‌وپنجه نرم می‌کند. همسر جوی، کاترین، باردار است و این خرداد شاد، تحت تأثیر بیماری ناگهانی مادر او قرار می‌گیرد. این چرخش غیرمنتظره در وقایع به مرکز توجه داستان تبدیل می‌شود و رمان به‌سرعت به تأمل در روابط میان والدین و فرزندان، فداکاری‌های همراه با عشق و طبیعت گیج‌کننده و لحظات پیش‌بینی‌ناپذیر زندگی می‌پردازد. داستان از دیدگاه شخصیت اصلی روایت می‌شود و تسلط فائته بر روایت اول‌شخص این امکان را می‌دهد که خواننده ارتباط نزدیکی با افکار و گفت‌وگوهای درونی و مبارزه‌های شخصی آدم‌های داستان برقرار کند.

جان فائته از نویسندگان و فیلم‌نامه‌نویسان قرن بیستمی آمریکا است و از آن دست نویسندگانی است که خیلی دیر به موفقیت و شهرت رسید. او سال‌های زیادی از زندگی‌اش را در کمامنی و فقر به سر برد و آثارش نیز توجهی جلب نمی‌کردند. فائته در فاصله آوریل ۱۹۰۹ در آمریکا متولد شد. او در آغاز داستان‌های کوتاه می‌نوشت و برای نشریات می‌فرستاد تا منتشر شوند و البته تا مدت‌ها موفق نبود و داستان‌هایش تنها نمی‌شدند. بالاخره یک‌جا از داستان‌های او در نشریه‌ای پذیرفته شد و به‌این‌ترتیب فائته بر آن شد تا به‌عنوان نویسنده داستان‌های کوتاه شناخته شود. اما بعد او به رمان‌نویسی هم پرداخت و «جاده لس‌آنجلس» اولین رمانی است که او نوشته است. این رمان در سال ۱۹۳۶ نوشته شد اما تا دو سال بعد از مرگ نویسنده منتشر نشد. دست‌نوشته «جاده لس‌آنجلس» پس از مرگ فائته در میان کاغذهای به‌جامانده از او پیدا شد و رمان در سال ۱۹۸۵ به چاپ رسید. این رمان، رواینگ نوجوانی آرتورو باندینی است و درواقع نیز جلد دوم چهارگانه فائته به شمار می‌رود. فائته در سال‌های جوانش، پنج رمان، یک رمان کوتاه و یک مجموعه داستان منتشر کرد و پس از مرگش نیز چند اثر دیگر از او منتشر شد. او را اغلب به‌عنوان نویسنده‌ای می‌شناسند که دشواری‌های نویسنده‌های جوان در لس‌آنجلس را به تصویر می‌کشید.

پیش‌زایب چهارگانه فائته شامل «جاده لس‌آنجلس»، «تا بهار صبر کن، بادبنی»، «رؤیاهای بانکرهیل»، «از غبار بپرس» و همچنین رمان «رک و ریشه» با ترجمه شکاری در نشر افق به چاپ رسیده بودند. چهارگانه فائته را البته می‌توان به صورت آثاری مستقل هم در نظر گرفت و جداگانه خواند. درواقع این چهار رمان با وجود برخی شباهت‌هایی که به هم دارند، فائته را البته می‌توان به صورت آثاری مستقل هم در نظر گرفت و جداگانه خواند. درواقع این چهار رمان با وجود برخی شباهت‌هایی که به هم دارند، فائته را البته می‌توان به صورت آثاری مستقل هم در نظر گرفت و جداگانه خواند. اثری که روزهایی که آمریکا گرفتار بحران اقتصادی و رکود بزرگ دهه ۳۰ میلادی است و دراین‌میان با خانواده‌ای سروکار داریم که در پی روابط پیرامونی فائته شکست‌خورده‌ای چشم به آینده و امید نیفته در نزدیک می‌کند و دوباره‌ای که با تئاتری جهانی روبه‌رو هستیم. تصور چیزی به نام رویکرد سنتی غیرممکن است. در این گفت‌وگو درباره موضوعات متاخر اجرایی شکسپیر همچون اجرای مجدد آثار کلاسیک و در نظر گرفتن مسائل تاریخی و معاصربودن صحبت شده است. به طوری که ارجاع به آثار شکسپیر در میان گفت‌وگوها می‌گوید تنها قوات میان شکسپیر و تراژدی‌نویسان یونان باستان در این است که شکسپیر به نحوی بسه روزگار ما نزدیک‌تر است. او می‌گوید که ما تاثیر از چالش با شکسپیر هستیم. حتی اگر عمدا با خود دلمان نمی‌خواهد این تنگیم. تفسیر حتی بدون تغییر کلمه‌ای در متن، بایسد مبادی جدیدی بدهد. او به یکی از نظرات قلیل‌اش اشاره می‌کند که نوشته بود «رؤیاهای بانکرهیل» نیز آخرین کتاب این چهارگانه است که در آن بخش دیگری از زندگی آرتورو باندینی روایت شده است. در رمان پیشین نیز مراحل قبلی زندگی او روایت شده بود. در میان چهارم آرتورو باندینی مسیری طولانی را پشت سر گذشته و با طی‌کردن مراحل مختلفی در زندگی‌اش به سرزمین رؤیاهایش لس‌آنجلس رسیده است. او در صافرخانه‌ای در بانکرهیل لس‌آنجلس اتاقی گرفته و دنبال کار می‌گردد و کاری هم پیدا می‌کند که ربطی به کتاب و نویسندگی دارد. متنها روح آرتورو اراو و قرار ندارد؛ شهرت می‌خواهد و دیده‌شدن و پذیرفته‌شدن. او فقط یک رؤیا دارد و آن اینکه نویسنده شود. حالا در این رمان ما با آرتورو، نویسنده روبه‌رو می‌شویم و با روابط عاشقانه و کاری او.

فائته در رمان «رک و ریشه» نیز به سراغ مضامین و دغدغه‌های رفته که در دیگر آثارش هم به آنها توجه کرده است. خانواده، واژهای مذهبی، نویسندگی و خشونت ازجمله محورهایی نیز موضوعات و مسائلی هستند که در «رک و ریشه» مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این رمان فائته به درون دغدغه‌های داستان رفته و احساسات آنها را به شکلی درخورتوجه به تصویر کشیده است. در ماجرای رمان «رک و ریشه»، عضو ناسازگار خانواده به یکی از فرزندان، بلکه پدر خانواده است. پدری که رفتاری خلاف عرف دارد. بدخلق است و همه از دستش به تنگ آمده‌اند و فکر می‌کنند او مایه بدنامی خانواده است. داستان از سوی یکی از پسران خانواده روایت می‌شود و ماجرا از لحظه‌ای آغاز می‌شود که پدر و مادر خانواده در حال نوشیدن شراب‌اند و دعوا هم به خیانت شوهر مربوط است. حالا پدر و مادر می‌خواهند از هم جدا شوند و این مسئله جدیدی است که خانواده را درگیر کرده است و اعضای آن را روبه‌روی هم قرار داده است.

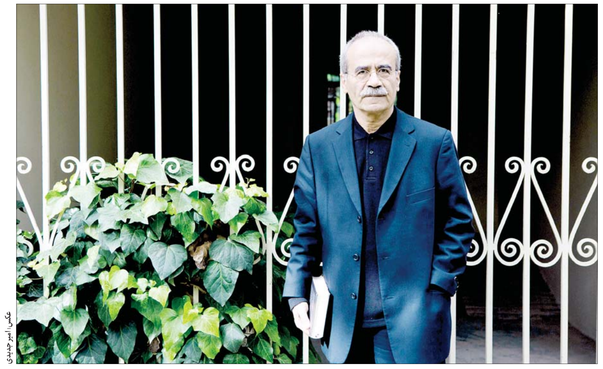

عکس: امید جدیدی

مسائل ترجمه، استعمار و ظهور دوباره فاشیسم در گفت‌وگو با محمود حدادی به مناسبت انتشار ترجمه‌اش از «صداهای مراکش» الیاس کانتی

جشن بمبارانِ فاشیسم

انزوای مترجمان در وضعیت فرهنگی موجود

پیام حیدرقزوینی

محمود حدادی، مترجم باسابقه ادبیات آلمانی‌زبان، چند سال پیش «صداهای مراکش» نوشته الیاس کانتی را به فارسی ترجمه کرده بود و این کتاب به‌تازگی و پس از سال‌ها در نشر نو منتشر شده است. «صداهای مراکش» سفرنامه‌ای است در ۱۴ روایت و حاصل سفر کانتی به مراکش است. نوع نگاه کانتی در این سفرنامه حائز اهمیت است. چراکه او بیش از هر چیز در پی کشف مناسبات انسانی و مشاهده زندگی آدم‌هایی اغلب فرودست و کرفتار فقر و فلاکت است. به مناسبت انتشار «صداهای مراکش» با محمود حدادی درباره این کتاب گفت‌وگو کردیم. در جایی از این گفت‌وگو به مسائل مربوط به ترجمه در ایران هم پرداخته‌ایم و افزون بر این، درباره ظهور دوباره فاشیسم در جهان فعلی صحبت کرده‌ایم. کانتی به نسلی از نویسندگان آلمانی‌زبان تعلق دارد که در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم به مقابله با فاشیسم پرداختند. حدادی در بخشی از این گفت‌وگو درباره ظهور فاشیسم در سال‌های اخیر می‌گوید: «فاشیسم در اوایل قرن بیستم تفکری محدود به فضای سیاسی آلمان و ایتالیا و اتریش نبود و ریشه‌های آن با شکست آلمان هم از میان نرفت. امروزه مدیریت سیاسی بسیاری از کشورها به طرز خطرناکی از اخلاق خالی شده است. کوئنتر گراس در سخنرانی‌اش به مناسبت دریافت نوبل ادبیات سال ۱۹۹۹ گفت سرمایه‌داری غربی بعد از جنگ جهانی دوم درنده‌خویی را کنار گذاشته است. متأسفانه می‌بینند که این درنده‌خویی این روزها از نو سر برداشته است. اشتغال سوایک، نویسنده اومانیست یهودی در سال اول ۱۹۴۲ در ناامیدی از شنیدن اخبار جنگ جهانی دوم دست به خودکشی زد. امروز ابعاد جنایت و توحش خاطره هام وحشت را در ذهن بیدار می‌کند که سوایک برتافت. جنگ‌سالاری مزمن حاکمیت اسرائیل درعمل رفتاری دارد مانند نخستین سفیدپوستانی که به قاره آمریکا رسیدند. آنها هم فلسطین را سرزمین خالی و نامسکون کمان می‌کنند و آن را تنها برای خود می‌خواهند. روزگار کوبا به کام تولیدکنندگان اسلحه است و دلالان مرگ...»

الیاس کانتی چه جایگاهی در ادبیات آلمانی‌زبان دارد؟ او به نسلی از نویسندگان قرن بیستم تعلق داشت که شاهد دوران برآشوب و جنگ و ظهور فاشیسم بودند. رد این دوران چقدر در آثار کانتی دیده می‌شود و او چگونه به این وضعیت واکنش نشان داد؟

الیاس کانتی، متولد ۱۹۰۵، طی بسیاری بحران‌های اجتماعی و دو جنگ جهانی، همه عمر در آوارگی و هجرت زندگی کرد. در کودکی پدر اسپانیایی‌تبارش را از دست داد و سرپرستی‌اش به عهده مادر قرار گرفت که آلمانی‌تبار بود. از مادر، در دوازده سالگی، زبان آلمانی را آموخت و آن را رسانه معنوی خودش قرار داد. شاید این هم از ظرفیت‌های ادبی و فلسفی زبان آلمانی هست که چندین نویسنده، از جمله کافکا و یاول سلان و همین کانتی، با آن‌که جزو یک آلمانی نیستند، آلمانی را زبان هنری خود انتخاب می‌کنند. انتخاب کانتی بسیار آگاهانه است. در خاطراتش آورده که می‌خواهد در سرنوشت آلمان، به هرگونه هم که ویران شود در کنارش، شریک شود و سهمی هم از میراث بشری به فرهنگ آن بیفزاید.

مادرش که زودهنگام به استعداد ادبی او پی برده بود، در ضمن برای آن او را به آلمان برد که در کانون رویدادهای بزرگ اجتماعی باشد و شاهد کشاکش‌های سیاسی و طبقاتی در دهه‌های بحرانی قرن بیستم. کانتی از جمله در فرانکفورت آشوب‌های خیابانی را دیده است که در پی قتل والتر راتائو، وزیر خارجه صلح‌جوی جمهوری وایمار، در سال ۱۹۲۲ و به دست نیروهای دست راستی رخ داد. همچنین صحنه توده مردم را به تاخ دادگستری وین در ۱۹۲۶ به دنبال تبرئه قاتلان خیط قعبال کارگری. صحنه‌های این زدوخوردهای خیابانی را هم از نزدیک مشاهده کرده است. تیراندازی نیروهای پلیس به ازدحام این تظاهرکنندگان هشتادوچهار کشته به جا گذاشت.

رمان‌های او، «زبان نجات‌یافته» و «شاهد کوش‌پاز» از زندگی شخصی او در این سال‌ها تأثیر گرفته‌اند. عقیده او بود که نویسنده باید آثار خود را به روی همه بحران‌های وحشت‌آلود انسانی و فروپاشی ارزش‌های اجتماعی بازکند و شاهدی عینی در خدمت زمانه خود باشد.

آیا می‌توان کانتی را در دسته نویسندگانی قرار داد که برای نویسنده مسئولیت و تعهد اجتماعی و سیاسی قائل بودند؟ کانتی چه تعریفی از ادبیات مسئول داشت؟

درباره این نویسنده نمی‌توان از تعهد اجتماعی سخن گفت. چنین تعبیری نویسنده را تا حدی به تحزب نزدیک می‌کند، جایی که کانتی انسانی بی‌تابعیت بود و رسما وطنی نداشت. منتها امری که در اثار او تجلی خالی از تردید دارد، میراث اومانیسم به آلمان‌دوستی است که در ادبیات عصر روشنگری و کلاسیک از نو به پایه‌ای استوار یافته است. اما جهان‌نگری مدرن او را می‌توان از مقام بلندی دریافت که برای کافکا قائل بود، چون او را «بزرگ‌ترین درون‌کاو قدرت» می‌دانست.

از میان آثار کانتی چرا به سراغ ترجمه «صداهای مراکش» رفتید و جایگاه این کتاب در میان آثار کانتی کجاست؟

همکار دانشگاهی من، دکتر مهشید خدایی، رساله‌اش را، با عنوان «بازتاب یگانه در ادبیات یک‌استعماری آلمانی‌زبان» نوشته بود و ایشان بود که این کتاب را معرفی کرد و نسخه‌ای را هم در اختیارم گذاشت. این هم بخشی از مشکلات مترجمان است که دسترسی به کتابخانه‌ای آلمانی‌زبان ندارند و ارتباط‌شان هم با آلمان محدود به امکاناتی تصادفی و شخصی است.

نوع نگاه کانتی در این سفرنامه قابل توجه است و او بیش از هر چیز به مناسبات انسانی و زندگی آدم‌ها توجه کرده است. نگاه کانتی در طول سفرش به مراکش و همچنین نثر او چقدر این سفرنامه را به روایتی داستانی شبیه کرده است؟

در این اثر یک واقع‌گرایی و واقعیت‌نگاری بسیار شاخص وجود دارد. کانتی تازه‌کاری کانتی است در نگاه به بیتوان و درماندگان عرصه پرچالش زندگی در کشوری کرفتار فقر یک ارزیابی حماسی از شوق به زندگی حتی در جان انسان‌های غلبل و فقیر، یک نگاه بسیار حرمت‌کار خود در قبال حیوانات. سفر او به شهر مراکش در ۱۹۵۶ بوده است. اما سفرنامه را ده سال بعد می‌نویسد. به تعبیری تاثیرات این سفر به سال تمام ذهن او را به خود میلون می‌کرده. اثری است حاصل مشاهده عینی و درعین‌حال پرورده درون. کانتی مجموعه یادداشت‌ها و داستان‌های هم دارد جزئی‌که گفتم، با عنوان «شاهد کوش‌پاز». در «صداهای مراکش» هم لحن احوات است به که کمک تصویر صحنه‌ها او را به درک حالت موجود و میدان و بازار و محله‌های فقیرنشین نزدیک می‌کند؛ وگرنه زبان عربی نمی‌دانست او.

به جزایر سفرنامه کانتی، شما سفرنامه‌ای هم از توماس مان به فارسی برگردانده‌اید. به طورکلی ژانر سفرنامه‌نویسی در میان نویسندگان آلمانی‌زبان چقدر رواج داشته است؟

اولین سفرنامه برخواننده آلمانی، یک سفرنامه تخیلی است، «ماجراهای فاجعه‌بار دکتر یوهان فاوستوس»، کتابی عامیانه، نوشته کشیشی پروتستان در قرن شانزدهم. در شرح زندگی دانشمندی که در راه بهره‌ای هرچه بیشتر از دانش و دنیا با شیطان پیمان می‌بندد و با کمک خود سفرهای نو و دراز، از جمله تا دربار شاهان عثمانی در پیش می‌گیرد. اما در همان قرن چهل‌کردی از مبنای فاوستی به ایران می‌بیند. پدرش به قمار علاقه دارد و مادرش جز دعاکردن کار دیگری بلد نیست. در سال ۱۹۸۹ با اقتباس از این رمان جان فائته فیلمی ساخته شد. «رؤیاهای بانکرهیل» نیز آخرین کتاب این چهارگانه است که در آن بخش دیگری از زندگی آرتورو باندینی روایت شده است. در رمان پیشین نیز مراحل قبلی زندگی او روایت شده بود. در میان چهارم آرتورو باندینی مسیری طولانی را پشت سر گذشته و با طی‌کردن مراحل مختلفی در زندگی‌اش به سرزمین رؤیاهایش لس‌آنجلس رسیده است. او در صافرخانه‌ای در بانکرهیل لس‌آنجلس اتاقی گرفته و دنبال کار می‌گردد و کاری هم پیدا می‌کند که ربطی به کتاب و نویسندگی دارد. متنها روح آرتورو اراو و قرار ندارد؛ شهرت می‌خواهد و دیده‌شدن و پذیرفته‌شدن. او فقط یک رؤیا دارد و آن اینکه نویسنده شود. حالا در این رمان ما با آرتورو، نویسنده روبه‌رو می‌شویم و با روابط عاشقانه و کاری او.

فاشیسم در اوایل قرن بیستم تفکری محدود به آلمان و ایتالیا و اتریش نبود و ریشه‌های آن با شکست آلمان هم از میان نرفت. امروزه مدیریت سیاسی بسیاری از کشورها به طرز خطرناکی از اخلاق خالی شده است. کوئنتر گراس در سخنرانی‌اش به مناسبت دریافت نوبل ادبیات سال ۱۹۹۹ گفت سرمایه‌داری غربی بعد از جنگ جهانی دوم درنده‌خویی را کنار گذاشته است. متأسفانه می‌بینند که این درنده‌خویی این روزها از نو سر برداشته است. آیا میل به پنهان کردن زندگی شخصی در وضعیت جنایی و تاریخی که در آن آزادی چندانی وجود نداشته یک از دلایل این اتفاق نیست؟

طبیعی است که پژوهشگران عرصه ادبیات فارسی سایت جام‌جم‌تری برای این پرسش خواهد شد. «سفرنامه» ناصرخسرو نمونه‌ای کلاسیک در ادبیات فارسی است. البته اهداف آشکار و پنهان سیاسی و عقیدتی هم در خروج ناصرخسرو از خراسان و رفتنش تا نه مصر و مکه نقش داشته‌اند. با این حال او با نگاهی زمینی، نگاهی که به جغرافیا، شیطانِ اقلیمی و انسان‌ها توجه دارد، از هر شهر سر راه خود گزارشی آورده است. اما هستند بزرگانی هم که به سبب فجایع تاریخی از زاده‌گاه خود کنده می‌شوند و هجرت می‌کنند. مانند مولوی. ولی نگاه غرفانی‌شان چندان دربند سیر در طبیعت و اقلیم و جغرافیا نیست. دو تن از سوژه‌های ادبیات کلاسیک فارسی، هر دو هم از اقلیم فارس، و هر دو هم از پیشگامان عرفانی آگاهانه زمینی، در قبال سفر دیدی کاملا متفاوت داشته‌اند: سعدی و حافظ. ابن دو همشهری، از حالی که سعدی سال‌های درازی را دور از شیراز در بغداد و دمشق و بعلبک به سر برده است و اندوخته مشاهدات این سفرها به آثارش غنایی بخشیده‌اند. حافظ برعکس، در غزل‌هایش بیش از یک‌بار، از غربت و دوری از وطن می‌نالد. طبیعی است، عرفان حافظ هم به مانند نگرش سعدی زمینی است و حتی رنگی آرمان‌گرایانه‌تر دارد. با این حال از بلندای حماسی خودش جندان دور نیست که در جزئیات زمینی دقیق شود.

تودیدپژوهی کانتی چه ویژگی‌هایی دارد و چقدر نظرات کانتی در کتاب «توده و قدرت» را می‌توان در آثار داستانی او مشاهده کرد؟

به کتاب «توده و قدرت» نشدنی‌ام و خود آن را نخوانده‌ام. ولی تا آنجا که دریافتی خواندم‌ام، موضوع این اثر جامعه‌شناسانه در ادبیات آلمان، حاکمه در نیمه اول قرن بیستم موضوعی پرتکرار است. و آن پرسشی است که در آثار پژوهشی قرود و رمان‌های هاینریش مان و برادرش توماس مان و همچنین هرمان بروخ مطرح می‌شود: این‌که چه اتفاقی می‌افتد که آدم‌ها در چنبش‌های سیاسی و یا آیینی، وقتی که توده‌وار سیل می‌شوند. گاه کاری از آنها سر می‌زند که در خلوت تنهایی خود بسا آن را دور از عقل یا انصاف بدانند. چه ویژگی عاطفی کاهسی حرکت‌های جمعی را از دیدگاه عقل گسیسته‌بیز می‌کند و توده را بدل به طعمه آسان هیجان و مقهور وسوسه قدرت؟ پژوهش در این بدیده، خاصه با شکل‌گیری کلان‌شهرهای متسعدود و بنیان‌های طبقاتی و تراکم اسان‌ها در محله‌های فقیرنشین، از اهداف جامعه‌شناسی بوده است و حتی در ادبیات روایی قرن نوزدهم هم بازتاب دارد.

از ظهور فاشیسم در آلمان و اروپا که زندگی بسیاری و از جمله نویسندگانی چون کانتی را تحت‌الشعاع قرار داد دهه‌ها می‌گذرد. اما امروز هم می‌توان در رفتار اسرائیل و برخی دولت‌های غربی نشانه‌هایی آشکار از بروز فاشیسم را دید. آیا موافقید که پس از چند دهه سایه فاشیسم دوباره بر سر جهان قرار گرفته و نسل‌کشی اسرائیل در غزه یکی از نمونه‌های آن است؟

بوخن والد مانند داخائو یک اردوگاه مرگ است در خاک خود آلمان. اردوگاهی به نسبت بزرگ‌تر و مشهور، درباره آن رمانی هم تحریر شده. که به فارسی هم ترجمه‌اش کرده‌اند: «برهنه میان کرگ‌ها». فاصله این اردوگاه تا وایمار، این شهر فرهنگی و دانشگاهی و سوکتاگاه شاعران عهد کلاسیک آلمان، کمتر از چهارده کیلومتر است. پیاده کمی بیشتر از یک ساعت راه. با این حال بعد از شکست آلمان در جنگ جهانی دوم و فروپاشی نازیسم، بسیاری از ساکنان شهر شمس هوسکند می‌خوردند که از کشتار اسان و سوزاندن آنها در این اردوگاه خبر نداشته‌اند. سوگند ساکنان این شهر را می‌شد باور کرد. چون که به هرحال ساکنان رسانه‌ای از زمان محدود بود. تنها رسانه همیشه در دسترس رادیو بود. سران حکومت هیتلری را هم فقط می‌شد در بخش اخبار تصویری، قبل از شروع فیلم در سینما دید. تاریخ بدون شک حیوت نمونه‌ای سراغ دارد برای این جشن بمباران. جشن بمباران انسان و حیوان و گیاه و بیمارستان و باغ و مزرعه، با این ابعادی که اسرائیل و تفکر پروتستانتی-صهیونیستی‌اش در غزه در پیش گرفته است. آن هم مقابل چشم جهان و با لبخند ظفرمندانه حاکمانش روبه‌رو که اهمه دوربین در کنارشان ایستاده‌اند.

فاشیسم در اوایل قرن بیستم تفکری محدود به فضای سیاسی آلمان و ایتالیا و اتریش نبود. و ریشه‌های آن با شکست آلمان هم از میان نرفت. امروزه مدیریت سیاسی بسیاری از کشورها به طرز خطرناکی از اخلاق خالی شده است. کوئنتر گراس در سخنرانی‌اش به مناسبت دریافت نوبل ادبیات سال ۱۹۹۹ گفت سرمایه‌داری غربی بعد از جنگ جهانی دوم درنده‌خویی را کنار گذاشته است. متأسفانه می‌بینند که این درنده‌خویی از نو سر برداشته است. این روزها، اشتغال سوایک، نویسنده اومانیست یهودی در اول سال ۱۹۴۲ در ناامیدی از شنیدن اخبار جنگ جهانی دوم دست به خودکشی زد. امروز ابعاد جنایت و توحش خاطره هام وحشت را در ذهن بیدار می‌کند که سوایک برتافت. جنگ‌سالاری مزمن حاکمیت اسرائیل در عمل رفتاری دارد مانند نخستین سفیدپوستانی که به قاره آمریکا رسیدند. آنها هم فلسطین را سرزمین خالی و نامسکون کمان می‌کنند و آن را تنها برای خود می‌خواهند. روزگار کوبا به کام تولیدکنندگان اسلحه است و دلالان مرگ... .

صداهای مراکش
گزارش یک سفر
الیاس کانتی
ترجمه محمود حدادی
نشر نو

در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم بسیاری از نویسندگان و روشنفکران آلمانی در برابر ظهور فاشیسم ایستادند و به شکل‌های مختلف آن را محکوم کردند. به نظرتان جامعه روشنفکری آلمان به خصوص در دو سال اخیر در کدام سو ایستاده و آیا توانسته موضعی قابل توجه در برابر نظام مسلط و قتل عام و کشتار بگیرد؟

این پرسش جانبی غم‌انگیز دارد. البته فاشیسم، چنان‌که گفتیم، پدیده‌ای منحصر و محدود به آلمان و ایتالیا نبود. در عالم ادبیات هم می‌دانیم که از جمله رومن مورلی، نویسنده انتریشی، زیر یوست جامعه آنزمان همان سال‌ها هم فاشیسم را به روشنی ردیابی کرده بود و در داستان‌ها و رمان‌هایش سال‌های فاشیسم موضوعی کانونی است. در آن دهه‌ها فاشیسم توانست توده‌گیر شود چون یکی از ابزارهایش پوپولیسم بود که کاملاه‌ای در سطح جوامع جوت پیدا می‌کند. منتها فاشیسم آلمانی حدت و قدرت نظامی بیشتری داشت. در زایی هم متحدی طبیعی و بسیار بسیار خشن‌یافت و فاجعه جنگ جهانی دوم را از پی آورد که یکسی از تلخ‌ترین مقدمه‌هایش قرارداد مونیخ در سال ۱۹۳۸ بود. طی این قرارداد انگلستان و فرانسه و ایتالیا بدون دعوت جکسلواکی، بدون حضور نمایندگان این کشور، بخشی از خاک همین جکسلواکی را به آلمان بخشیدند! تا شاید با این باج، هیت